

# مزار سادات تبادکان

محمدحسن پاکدامن

بنیاد پژوهشهای اسلامی - گروه تراجم و انساب



## چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱/۲۵

از دیرباز به یادگار از دوره تیموری چندین قطعه سنگ قبر، در محیط باز قبرستان روستای تبادکان مشهد با نام مزار سادات شناخته می‌شده است. به عللی ناشناخته در اواخر سال ۱۳۸۶ بر روی این سنگ قبور بقعه‌ای ابتدایی بنا می‌شود. در پی درخواست مسئولان محلی روستا برای تحقیق از این محل، گروه تراجم و انساب بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی نظر به رسالتی که در واکاوی و بازشناسی بقاع متبرکه دارد، در دو مرحله تحقیق میدانی جامع و بازیابی آن در محیط کتابخانه‌ای، نتیجه آن را ارائه می‌دهد. دستاورد این پژوهش ضمن بازشناسی اجمالی سه تن از سادات دوره تیموری و صفوی و همچنین دو نفر از شخصیت‌های صاحب اعتبار غیر سید تبادکان، پرداختن به مباحثی از علم انساب و مسیر مهاجرت سادات ناحیه توس می‌باشد که در جمع‌بندی آن می‌توان تا اندازه‌ای در زوایای پنهان این آثار تاریخی که هم‌اینک جنبه زیارتی یافته است، کوشید.

**کلیدواژه‌ها:** تبادکان، مزار سادات، سید، نقیب، امیر، مهاجرت سادات.

همانند دیگر سنگ قبرها در فضای آزاد قبرستان در مکان فعلی قرار داشته و اخیراً بنایی ابتدایی بر آن ساخته‌اند. این پنج سنگ همگی به شکل مستطیل صندوقی، از سنگ‌هایی خاکستری‌رنگ با اندازه‌هایی نسبتاً بزرگ ساخته شده که دو قطعه آن بزرگ‌تر از بقیه است. تمام نمای بیرونی سنگ‌ها دارای کتیبه و نقوش نفیس و قابل توجه می‌باشد و نام، القاب و سال فوت مدفونان در قسمت عمودی آن‌ها در دو بخش بالا و پایین حک شده است.

۱- سنگ قبر امیر سید حاجی حسن  
این قطعه یکی از دو سنگ بزرگ موجود است که دارای ابعاد ۵۷×۲۰۷ و ارتفاع ۵۶ سانتی‌متر می‌باشد. سطح بالایی سنگ دارای نقوش گل و برگ و اشعاری در حاشیه بوده که اغلب از بین رفته است. عبارات ذیل در پیشانی و پایین سنگ حک است:

«هذه مرقد جناب المرتضى الاعظم

رضایی، سید حسن حسینی، میثم جلالی و علی سکندری با اعزام به روستای تبادکان انجام پذیرفت.

روستای تبادکان واقع در دهستان کنویست از بخش مرکزی شهرستان مشهد به عرض جغرافیایی  $28^{\circ} 36'$  و طول جغرافیایی  $54^{\circ} 59'$  و ۱۱۹۰ متر ارتفاع از سطح دریا، در فاصله ۲۱ مایلی (۳۳/۸ کیلومتری) مشهد بر سر راه کلات نادری از راه چهچمه می‌باشد. این آبادی ۱۵۰ خانوار سکنه فارس شیعه‌مذهب دارد.<sup>۱</sup> قبرستانی گسترده و قدیمی بر بلندای تپه‌ای در شمال غربی روستا با سنگ‌ها و الواح تاریخ‌دار جدید و قدیم به چشم می‌آید. از نفایس این قبرستان، پنج قطعه سنگی است که هم‌اکنون به عنوان پنج امامزاده - که از دیرباز به مزار سیدها و مزار سادات مشهور بوده<sup>۲</sup> - مورد زیارت اهالی بومی و آبادی‌های اطراف قرار گرفته است. نظر به برخی از مستندات تصویری<sup>۳</sup> و تحقیقات میدانی گروه تراجم و انساب بنیاد پژوهش‌های اسلامی<sup>۴</sup> از گذشته دیرین، این نفایس

۱. فرهنگ جغرافیایی ایران، خراسان، ص ۲۰۴.

۲. [www.tebyannet/weblog/mahdi989](http://www.tebyannet/weblog/mahdi989).

۳. بررسی و مطالعه کتیبه‌های تاریخی سنگ قبور دشت توس، ج ۲، ص ۱۷۶.

۴. در ۲۰ فروردین ۱۳۸۷ اولین مرحله از تحقیق توسط آقایان محمدحسن پاکدامن، اسماعیل

۲- سنگ قبر سید کمال الدین محمود  
ابعاد این سنگ ۶۰×۲۲۶ و ارتفاع ۴۸ سانتی متر است. پایه سنگ این قطعه سالم مانده است که دارای ابعاد ۳۵×۱۳۸ سانتی متر می باشد. این سنگ از یک سوم پایانی دچار شکست شده و به دو نیم غیر مساوی تقسیم گردیده است. کتیبه پیشانی سنگ به علت فرسایش، وضوح خود را از دست داده و چنین خواننده می شود:

«اذا بلغ ؟ ؟ ؟ اليوم الثامن من شهر شعبان سنة سبع و ثمانین و ثمانمائة فتحت ثمانية أبواب الجنان علی ؟ عصره و فرید [دوره] و سید السادات و منبع الخیر [ادامه در پایین سنگ] و السعادات کمال الدولة والدين محمود بن السيد السند شمس الملة والدين محمد امير حسين التبادکانی روح الله روحه و دام فی فرادیس الجنان فیضه و فتوحه بحق محمد و آله أجمعین».

کتیبه بدنه این سنگ پرنقش و نگارتر از سنگ قبلی است و در آن بیتی عربی به خط ثلث در میان خطوط کوفی و گل و بوته حک شده که مصرع اول آن چنین است:

المجتبى الانسب الاقدم قدوة اولاد الرسول و اسوة احفاد البتول امير سيد حاجی حسن طاب ثراه ابن جناب مرتضى المرحوم افتخار العترة الطاهرة اعتضاد الملة الزاهرة سيد شمس الدين [ادامه کتیبه در قسمت پایین] محمد بن امير سيد شرف الدين حسين الحسينى طيب الله مرقدهم و سقى بماء الرضوان مشهدهم الابن سيد امير حاجی حسن چون به جنت رفت از این محنت سرا / وقت رحلت کردنش تاریخ سال هشتصد و هفتاد و یک بود از قضا».

بر بدنه سمت راست با خط درشت ثلث حک است:

«قال رسول الله صلى الله عليه و سلم اذكروا محاسن أمواتكم و كفوا عن مساوئهم»<sup>۱</sup> و بر بدنه سمت چپ:  
«قال النبي الدنيا ساعة فاجعلها طاعة»<sup>۲</sup>  
و قال عليه السلام المؤمن حى فى الدارين»<sup>۳</sup>.

۱. عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۱۵۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۸۵؛ بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۶۸، ح ۱۴.

۳. مشارق انوار اليقين، ص ۳۰۵.

«مضى العمر والأيام والذنب حاصل و...  
والموت والفكر غافل».

و در سمت چپ حک است:  
«نعيمك فى الدنيا غرورٌ و محنة و  
عيشك فى الدنيا محال و باطل».

### ۳- سنگ قبر میرزا محمد حسین

این قطعه کوچک تر از دو سنگ قبلی  
و ابعاد فعلی آن ۳۵×۱۳۸ و ارتفاع ۲۵  
سانتی متر می باشد. قسمت پایین سنگ  
به طور کامل شکسته و از بین رفته و تنها  
کتیبه پیشانی ساییده شده آن باقی مانده  
است. در این کتیبه خوانده می شود:

«هذا مرقد سيادت و نقابت پناه  
المرحوم المغفور ميرزا محمد حسين بن  
جناب سيادت و نقابت پناه و معانى ؟»  
با توجه به شکستگی پایین سنگ، نام  
پدر و سال فوت مدفون در این قبر  
نامعلوم است.

### ۴- سنگ قبر امیر کمال الدین محمود

#### تبادکانی

این قطعه، کمی کوچک تر از دو سنگ  
اول بوده و به همراه سنگی دیگر به ابعاد  
تقریبی سنگ سوم، هم اکنون در ضریح

واقع شده است. در کتیبه پیشانی حک  
گردیده است:

«هذه روضة الصاحب الاعظم نبوى  
الأخلاق ملكى الشيم و مخصوص  
بمواهب الملك الهمدانى امير كمال الدين  
محمود بن الصاحب المرحوم امير محمد  
ابن حسين التبادكانى غفر الله له و لوالديه  
فى ربيع الثانى سنة خمس و ستين و  
ثمانمائة».

در حواشی سطحی در ده قاب آمده  
است:

«اللهم صلّ على محمد المصطفى  
اللهم صلّ على على المرتضى و صلّ  
على حسن المجتبى و صلّ على الحسين  
الشهيد بكر بلا و صلّ على زين العابدين  
و صلّ على محمد الباقر و صلّ على  
جعفر الصادق و صلّ على موسى الكاظم  
و صلّ على موسى الرضا و صلّ على  
محمد التقى و صلّ على على النقى و  
صلّ على حسن العسكرى و صلّ على  
محمد المهدي الطيبين والظاهرين».

کتیبه های بدنه نیز شامل ده قاب در  
طرفین می باشد که بر آن آیات قرآن و  
احادیث نبوی حک گردیده است. در  
کتیبه پایین سنگ آمده است:

«عمل استاد علی بن شیخ محمد  
مشهدی لواحد من الفضلاء».

در ادامه این کتیبه، تکبیتی فارسی  
آمده که خوانده می‌شود:

«رفتم بسر تربت محمود غنی

کفتم که ؟ ؟ ؟»

با توجه به قدیم بودن قبرستان تبادکان  
به دست آمد که از برخی از سنگ‌های  
قدیم نظیر همین سنگ، در طی سده‌های  
مختلف، استفاده مجدد برای ثبت هویت  
مردگان می‌شده است. به‌ویژه که این  
عمل، با شیوه تراش مجدد قسمتی از  
سطح سنگ نمود می‌یافته است. بر این  
اساس، روی سنگ کمال‌الدین محمود  
تبادکانی در کلیشه‌ای لوزی شکل با یک  
خط ناخوانای نستعلیق به سختی خوانده  
می‌شود:

«مرقد مرحوم المغفور المبرور ؟ ولد

؟ میرزا ؟ حسن رضوی [سنه ۱۱۰۵ یا  
۱۲۰۵ یا ۱۲۵۰]»<sup>۱</sup>.

## ۵- سنگ قبر فاطمه خاتون

این قطعه به ابعاد تقریبی سنگ سوم

۱. به علت ساییدگی سه احتمال داده شد. با این  
حال، تاریخ ۱۲۰۵ هجری ارجح می‌باشد.

(میرزا محمدحسین) می‌باشد. بر پیشانی  
آن حک گردیده است:

«هذه روضة الشريفة الصالحة  
المستورة المسماة فاطمة خاتون بنت  
الصاحب المرحوم المغفور امير  
كمال الدين محمود التبادكاني توفت في  
غرة رمضان المبارك سنة سبع و ستين و  
ثمانمئة».

بر دو کتیبه بغل این سنگ اشعاری  
فارسی حک است که ابتدای آن چنین  
است:

«لاله همه خون دیده ؟ ؟».

بر روی سطح سنگ نیز همانند سنگ  
امیر کمال‌الدین، استفاده مجدد شده و  
حک گردیده است:

«هذا مرقد مرحوم سيادت پناه مرحوم  
ميرزا محمد علي ولد مرحوم سيادت پناه  
ميرزا ابوالقاسم رضوي سنه ۱۲۰۶».

## تحليل

به محوریت بازخوانی این پنج سنگ  
به دست می‌آید که سنگ‌های شماره یک،  
دو و سه متعلق به ساداتی بوده‌اند که در  
سده‌های نهم و دهم هجری می‌زیسته‌اند.  
اما دو سنگ شماره چهار و پنج مربوط

به پدر و دختری است که هیچ‌گونه انتسابی به سادات ندارند. بر روی این سنگ‌ها اغلب بجز یک مورد، کل مشخصات خانوادگی و سال وفات آنان حک گردیده است. با این حال برای استخراج شجره سیادت سه سنگ اول نمی‌توان به گونه دقیق از منابع و کتاب‌های نسب‌شناسی سود جست. گرچه در تحقیقی جامع در کتاب‌های انساب و تاریخی به‌ویژه تاریخ جغرافیایی، جست‌وجو و واکاوی انجام پذیرفت، اما متأسفانه نمی‌توان به اصل شجره دست یافت. در این‌گونه موارد تکیه بر قرآینی است که تا اندازه‌ای می‌تواند ما را در بازیابی هویت این اشخاص یاری دهد. نوع چیدمان واژه‌ها و عبارات سه سنگ ابتدایی به‌ویژه سنگ اول، بر فخامت و عظیم‌الشأن بودن این اشخاص دلالت دارد.

#### الف - امیر

یکی از این واژه‌ها که به‌ویژه در دوره تیموری کاربرد فراوان داشته است کلمه «امیر» می‌باشد. با واکاوی منابع کتابخانه‌ای و بازخوانی نمونه‌سنگ‌های

قبور می‌توان کاربرد این واژه را در مفاهیم ذیل دانست:

- ۱- صاحب‌منصبان، حاکمان محلی و کشوری؛
- ۲- علما و دانشمندان؛
- ۳- عرفا، اقطاب و رؤسای سلسله‌های تصوّف؛
- ۴- نقیب، رئیس سادات و نقیب النقباء؛
- ۵- جامع مفاهیم پیشین.

#### ب - نقیب و نقابت

درباره آیین نقابت، نقبا و نقابت الاشراف مطالب متنوع و فراوانی در منابع و مآخذ اسلامی و آثار اسلام‌شناسان دیده می‌شود که از اهمیت بسیار آن در جهان اسلام حکایت دارد. آنچه از متون تاریخی برمی‌آید به کارگیری اصطلاح نقیب و نقابت در مفاهیم و معانی مختلف و برای موارد گوناگون است که در بارزترین مصداق آن به شخصیت و عنوانی گفته می‌شود که متولی امور مادی

۱. حبيب السیر، ج ۴، ص ۶، ۱۱، ۱۹، ۶۱، ۲۱۰، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۳۵، ۳۴۴، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۵ و... لغتنامه دهخدا، ذیل واژه «امیر».

و معنوی قومی، گروهی، قبیله یا نژاد خاصی از سادات یا همه سادات بوده است. چنین منصبی با گزینش و حکم رسمی سلطان یا نماینده تام‌الاختیار وی همچون والیان، حاکمان و امیران یا از ناحیه نقیب عمومی که ولایت عامه دارد و به اصطلاح «نقیب النقباء» یا «نقابۃ النقباء» نامیده می‌شود و به نیابت خود نقیب خاص هر ولایت و شهری را برمی‌گزیده رسمیت می‌یافته است. مقام و منزلت والای خانوادگی، فضل و دانش برتر، تقوا و کمالات اخلاقی برتر از دیگران، دارا بودن رأی و نظری صائب و بالاتر و پسندیده‌تر، آگاهی و علم به شجره و انساب صاحبان انساب شریف، اقتدار و عظمت و اطاعت‌پذیری دیگران از نقیب، از جمله بایستگی‌ها و شایستگی‌هایی بود که در انتخاب هر نقیب لحاظ می‌گردیده است.<sup>۱</sup> آیین نقابت در زمان حکومت عثمانیان نیز ادامه داشته، به‌طوری که سلطان عبدالحمید عثمانی نقابت نجف و کربلا را به شخصی از اهل تسنن واگذار نمود.

در دوره صفویه نیز با عنوان «صدارت» رواج داشته و به دو بخش «صدارت خاصه و صدارت عامه» تقسیم می‌شده است.<sup>۲</sup>

### برآیند

گرچه در حال حاضر سادات رضوی، به گفته اهالی، از نسل «سید حسن کلیددار حرم رضوی» در روستای تبادکان ساکن می‌باشند، اما «میرزا محمدباقر رضوی» نتوانسته اطلاعاتی را دربارهٔ هویت و تاریخ زندگی و اولاد وی ارائه دهد و نام سید حسن کلیددار را ذیل عنوان «ذکر نام جماعتی از سادات عظام رضوی که اسمشان در کتب تاریخ و تذکره یاد شده و به واسطهٔ دست نیامدن نسبشان نامشان در این مبسوط و مشجر نیامده است» آورده است.<sup>۳</sup> این گروه از سادات احتمالاً از دورهٔ صفویه و پس از آن به لحاظ سهم‌بری از موقوفات رضوی در این منطقه ساکن شدند. مستندترین تاریخی که قرینه بر سکونت قطعی

۲. همان، ص ۴۸.

۳. الشجرة الطيبة در انساب سلسله سادات علویه رضویه، ص ۴۴۷ و ۴۵۴.

۱. گنجینه شهاب، دفتر دوم، ص ۳۸؛ لغتنامه دهخدا، ذیل واژه «نقیب».

سادات رضوی در تبادکان می باشد تاریخ ۱۲۰۶ ه است که مربوط به دوره افشاری ها و متن حکاکی شده بر روی سنگ فاطمه خاتون [سنگ شماره ۵] است که بر آن نوشته شده است:

«هذا مرقد مرحوم سیادت پناه مرحوم میرزا محمد علی ولد مرحوم سیادت پناه ابوالقاسم رضوی سنه ۱۲۰۶».

بر این اساس با توجه به قدمت، تاریخ سنگ های موجود و مهاجرت بعدی سادات رضوی به این منطقه، باید با دقت در مسیر مهاجرت سادات به این مهم پرداخت. از دیرباز موسویان زیادی از نسل «احمد بن محمد الاعرابی بن قاسم بن حمزة بن موسی الکاظم علیه السلام»<sup>۱</sup> در توس زیست، ریاست و نقابت داشته اند. هم چنین به دیگر سادات موسوی از نسل «حسن القائدی الجندی بن موسی الاصغر بن محمد بن احمد بن هارون بن موسی الکاظم علیه السلام»<sup>۲</sup> می توان اشاره داشت. با

این حال به لحاظ تاریخ تقریبی و شباهت حکاکی دو سنگ شماره ۱ و ۲ [امیر سید حاجی حسن متوفای ۸۷۱ و سید کمال الدین محمود متوفای ۸۸۷] و محوریت قرار دادن کلمه «الحسینی» که در سنگ شماره یک [امیر سید حاجی حسن] آمده است، می توان به این یقین رسید که یک گروه از ساداتی که در تبادکان زیست داشته اند حسینی بوده اند. چنانچه این قرینه به گزارش کتاب های انساب ضمیمه شود نتیجه این می شود که از سده های پیشین، توس که تبادکان نیز جزئی از آن بوده زیستگاه سادات حسینی بوده است. نسابه ها عنوان «حسینی» را بر فرزندان امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام در مقابل عنوان «موسوی» به کار گرفته اند. از جماعت سادات حسینی که در توس زندگی کرده و دارای نسل بوده اند می توان به نام های «ابوالقاسم محمد بن حسین بن احمد بن محمد الزبارة بن عبدالله بن حسن بن حسن الافطس بن علی الاصغر بن زین العابدین علیه السلام، ابوعلی احمد بن الحسین جوهرک بن محمد النقیب بن

۱. الشجرة المباركة، ص ۹۶؛ عمدة الطالب، ص ۳۱۱؛ تهذیب الانساب، ص ۱۶۹؛ الاصلی، ص ۱۸۰ و ۱۸۱؛ منتقلة الطالبیه، ص ۲۲۰ و ۲۲۱.
۲. الشجرة المباركة، ص ۱۰۰؛ المجلی، ص ۳۰۱؛ عمدة الطالب، ص ۲۸۴؛ تهذیب الانساب، ص ۱۶۶.



یحیی بن محمد بن احمد الزبارة بن محمد الزبارة بن عبدالله بن حسن بن حسن الافطس بن علی الاصغر بن علی السجاد علیه السلام، محمد ابو عبدالله الشعرانی ابن حسن بن ابوالحسین بن علی بن محمد بن علی بن اسماعیل بن الصادق علیه السلام، مانکریم بن محمد بن احمد الطبری بن محمد بن احمد الاعرابی بن ابوجعفر محمد بن ابومحمد حسن بن علی الاصغر بن عمر الاشرف بن زین العابدین علیه السلام، علی الزاهد بن ابی البقاء ابراهیم بن محمد الدیاج بن الصادق علیه السلام، الداعی بن محمد بن الداعی بن اسماعیل بن علی ابن ابی طالب بن مظفر بن حسن بن محمد بن علی بن محمد بن الحسن الدینوری بن حسین بن علی بن محمد ابن علی بن اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام، ابوالمؤید اسماعیل بن الحسین بن محمد بن علی بن محمد الشعرانی بن ابوعلی حسن بن حسین ابن ابی الحسن علی بن محمد بن علی ابن اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام و ابوعبدالله حسین بن احمد بن حسین الرقی بن احمد الشعرانی بن علی

العریضی بن جعفر الصادق علیه السلام اشاره داشت<sup>۱</sup>. هیچ قرینه‌ای در سنگ اوّل [امیر سید حاجی حسن متوفای ۸۷۱ هـ] در کنار کلمه «الحسینی» نیست که نشان‌دهنده این باشد که وی از کدام دسته از سادات حسینی بوده است.

در یک جمع‌بندی درباره سنگ اوّل و دوم می‌توان گفت که آنان از سادات حسینی سده نهم دوره تیموریان در منطقه تبادکان بوده‌اند که به احتمال با بیست یا بیست و دو واسطه به امام زین‌العابدین منتسب می‌شوند.

این گمانه درباره عدد نسل و واسطه این دو تن تا امام سجاد علیه السلام با پیگیری شجره سید عبدالله [متوفای ۸۶۹ هـ] روستای بُرزش آباد که پس از بیست واسطه به امام سجاد علیه السلام اتصال می‌یابد تقویت می‌شود. نظر به حک کلماتی همچون «امیر» و «اعتضاد الملة و شمس الملة والدين» این نکته نیز به دست می‌آید که این دو سید از بزرگان منطقه، اهل سیاست و مشاغل دولتی [حاکم محلی] بوده‌اند که به لحاظ سیادت و

۱. الشجرة المباركة، ص ۱۰۴، ۱۱۵ و ۱۷۴: الفخری فی انساب الطالبیین، ص ۲۶.

منصبشان جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند. در کتاب‌های تاریخی دوره تیموریان و سفرنامه‌ها از آنان به گونه‌ی خاص نامی برده نشده است، با این حال قاضی‌احمد حسینی قمی<sup>۱</sup> و اسکندربیک منشی<sup>۲</sup> به شخصیتی با نام امیرحسین تبادکانی [متوفای ۹۷۸ هـ] مشهور به فیروزجنگ حاکم زورآباد و جام در زمان شاه‌طهماسب صفوی اشاره می‌دارند که از سادات والامقام مشهد و تبادکان بوده است. این گزارش نمایانگر این است که سادات تبادکان در دوره‌های تیموری و صفوی موقعیت اجتماعی ویژه‌ای داشته‌اند، به گونه‌ای که برخی از آنان از صاحب‌منصبان و حاکمان مشهور بوده‌اند.

درباره سنگ سوم [میرزا محمدحسین] احتمال داده می‌شود که میرزا محمدحسین سیدی از سادات حسینی یا رضوی بوده که در دوره صفویه می‌زیسته، به‌ویژه که نوع خط حکاکی شده بر پیشانی سنگ میرزا

محمدحسین شبیه به خطوطی است که برای استفاده مجدد بر روی سنگ قبرهای فاطمه‌خاتون و امیر کمال‌الدین محمود به کار رفته است. از ویژگی‌های این سنگ، همان‌گونه که در بخش تحلیل این نوشتار بدان اشاره شد، حک شدن واژه نقابت است. چنان‌چه این عنوان را با همان معنای خاص خودش بشناسیم باید گفت که میرزا محمدحسین عهده‌دار نقابت منطقه بوده است و از متن بازخوانی شده به دست می‌آید که این منصب در خانواده وی بی‌سابقه نبوده و پدرش نیز پیش از او عهده‌دار این منصب بوده است. و این گمانه نیز قابل بررسی است که شاید این قبر متعلق به امیر حسین تبادکانی حاکم زورآباد و جام باشد که پس از وفاتش در زادگاهش دفن گردیده است. تاکنون آنچه آمد، اثبات سیادت صاحبان سنگ‌های امیر سید حاجی حسن حسینی متوفای ۸۷۱ هـ، سید کمال‌الدین محمود تبادکانی متوفای هشتم شعبان ۸۸۷ هـ و نقیب میرزا محمدحسین متوفای دوره صفویه بود؛ اما به لحاظ

۱. خلاصه التواریخ، ج ۱، ص ۵۶۳، ۵۶۲ و ۵۶۶؛  
ج ۲، ص ۹۹۴ و ۹۹۵.  
۲. تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱، ص ۲۲۶.

تکمله تحقیق می آید که سنگ چهارم به قرینه «لواحد من الفضلاء» متعلق به امیر کمال الدین محمود بن محمد بن حسین التبادکانی متوفای ربیع الثانی ۸۶۵هـ، از عالمان، دانشمندان و بزرگان علمی منطقه بوده است که پس از دو سال در اوّل رمضان سال ۸۶۷هـ،

دخترش فاطمه خاتون در جوار وی دفن می شود. بر این دو سنگ هم اکنون به اشتباه از سوی اوقاف ضریح پیشین امامزاده یحیی میامی مشهد نصب گردیده است. در پایان، سالشمار پنج سنگ قدیم تبادکان بر اساس قدمت تاریخی ارائه می شود:

مشخصات خانوادگی	سال وفات	توضیحات
۱. کمال الدین محمود بن محمد بن حسین التبادکانی	۸۶۵ هـ	از فضلا، دانشمندان و بزرگان علمی غیر سید تبادکان
۲. فاطمه خاتون بنت امیر کمال الدین محمود التبادکانی	رمضان ۸۶۷ هـ	دختر صالحه و پرهیزگار کمال الدین محمود بن محمد بن حسین التبادکانی
۳. امیر سید حاجی حسن بن امیر سید شمس الدین محمد بن امیر سید شرف الدین بن امیر حاجی حسن الحسینی	۸۷۱ هـ	سید حسینی، به احتمال از نسل امام سجاده <small>علیه السلام</small> ، از بزرگان تبادکان، اهل سیاست و مشاغل
۴. سید کمال الدین محمود بن سید محمد امیر حسین التبادکانی	۸ شعبان ۸۸۷ هـ	سید، به احتمال از نسل امام سجاده <small>علیه السلام</small> ، از بزرگان ناحیه تبادکان، اهل سیاست و مشاغل
۵. میرزا محمد حسین نقیب	دوره صفویه	سید حسینی یا رضوی که همچون پدرش در تبادکان عهده دار نقابت محلی بوده است.

۱. ابن عنبه، احمد بن علی، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، قم، نشر انصاریان، ۱۴۱۷ق.
۲. ابن طباطبا، ابراهیم بن ناصر، منتقلة الطالبیة، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۸۸ق.
۳. ابن طقطقی، الاصلی فی انساب الطالبیین، تصحیح مهدی رجایی، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۶ش.
۴. الاحسایی، ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، تحقیق حاج آقا مجتبی عراقی، قم، چاپخانه سیدالشهداء، ۱۴۰۳ق.
۵. البرسی، حافظ رجب، مشارق انوار الیقین، تحقیق سید علی عاشور، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹ق.
۶. اسکندریک منشی، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷ش.
۷. افروند، قدیر، بررسی و مطالعه کتیبه های تاریخی سنگ قبور دشت توس، مشهد، مرکز خراسان شناسی آستان قدس رضوی، چاپ نشده، زمستان ۱۳۷۹ش.
۸. خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، زیر نظر دکتر دبیر سیاقی، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۶۲ش.
۹. رضوی، میرزا محمدباقر، شجره طیبه، در انساب سلسله سادات علویه رضویه، تصحیح سید محمدتقی مدرس رضوی،
- ویرایش مهدی سیدی، مشهد، آهنگ قلم، ۱۳۸۴ش.
۱۰. عبیدلی، ابوالحسن، تهذیب الانساب و نهاية الاعتقاد، تصحیح محمد کاظم محمودی، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۳ق.
۱۱. فخررازی، الشجرة المباركة، تصحیح مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.
۱۲. قمی، قاضی احمد، خلاصة التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش.
۱۳. المجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ دوم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۴. کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، فرهنگ جغرافیایی ایران - خراسان، ترجمه کاظم خادمیان، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰ش.
۱۵. مرعشی نجفی، سید محمود، گنجینه شهاب؛ مجموعه رساله و مقاله های علمی در پاسداشت حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۸۰ش.
۱۶. مروزی ازورقانی، اسماعیل، الفخری فی انساب الطالبیین، تحقیق مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.